



فصلنامه قرآنی کوله - ش ۱۲

الهام حیات طیبه و درسهایی برای امروز

حجة الاسلام والمسلمین علی رهبر

«ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمه انک انت الوهاب» (۱)
 (پروردگارا! قلب هامان را بعد از آن که هدایتمان کردی، منحرف
 مساز و از پیش خود رحمتی بیخشای که قطعاً تو بسیار بخشنده ای)
 تمام کوشش ها، اسبی و براقی آسمانی دارد که آنها را به سوی
 پذیرش خدای، بالا می برد و آن خلوصی است که مهر محبوبیت بر
 آنها می زند. خلوص در نیایش زلال و ملتمسانه و در قالبی عجز
 آمیز و متضرعانه، جلوه می کند. آنگاه بندگان رو به نیایش
 می آورند که از همه سبب ها بریده باشند؛ یا از آغاز چنین بوده اند و
 یا بعد از آزمودن سبب نماهایی که نوعاً بسیاری از بندگان را گرفتار
 می کند، راهی و مفردی به جز بازگشت به خدای مسبب نمی بینند.

ای گناه تیره کورم ساز کور تا بگردم در زمین دنبال نور
 تا نمیرد در تنم درد فنا تا فراموشم نکرده «بنا»
 یک آغوش بی کرانه ای از مهر، چنین بندگان را در خود می فشارد
 که در حدیث قدسی از خدای مهربان آمده است:

«لوعلم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لما توا شوقاً»

۱- سوره آل عمران / ۸۱

(اگر رویگردانان بدانند که چگونه اشتیاق به آنان دارم، از شوق می‌میرند.)

بندگانی که با یکدیگر قهر می‌کنند، وقتی سخن از آشتی می‌رود، می‌گویند: چه احتیاجی به فلان دارم که آشتی کنم؟ ولی خدای هستی آفرین در عین بی‌نیازی مطلق، رویگردانی بندگانی را دوست ندارد و مشتاق آشتی است. این کریمه قرآنی در اوج ابراز عنایت خدا به بندگان است:

«وَاِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاتِّي قَرِيبًا جِيبَ دَعْوِهِ الدَّاعِ اِذَا

رَعَانَ فَلَيسْتَ جِيبًا لِي وَلِيُؤْمِنُوْا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ» (۲)

(و هر گاه که بندگان من، از تو راجع به من پرسند، پس من نزدیکم و دعای دعاگرش - آنگاه که مرا بخواند - پاسخ می‌گویم. پس دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، شاید هدایت شوند.)
در هشت تعبیر می‌فرماید «من»: دقت نمائید:

۱- عبادی (بندگان من)

۲- عنی (از من)

۳- فاتی (همانا من)

۴- قریب (نزدیکم)

۵- اجیب (اجابت می‌کنم)

۶- اذا دعان (مرا بخوانید)

۷- فلیستجیبوالی (پاسخ مرا بدهید)

۸- ولیؤمنوا بی (به من ایمان بیاورید)

شاید همه اینها بدان دلیل است که بنده احساس انس کند و رمیدن را رها کند:

به ظلمت ز نور فدا می‌گریزی

تو لب تشنه ز آب بقا می‌گریزی؟

ز ما در بود مهر بانتر فدایت

تو جاهل به قهر از فدا می‌گریزی؟

اگر می‌گریزی ز بیگانه بگیریز

چرا دیگر از آشنا می‌گریزی؟



سرا پا دردی و ممتاع درمان

چرا از طبیب و دوا می‌گریزی؟

ففرّوا الی الله فرموده یزدان

چرا سوی نفس و هوا می‌گریزی؟ (۳)

خداوند بخشی از الهام‌های کتابش را در قالب نیایش خاصان بندگان، عرضه کرده است که راه و رسم تقرب را به همه خواستاران بیاموزد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«... ان عند الله عزوجل - منزله لاتنال الا بمسأله...» (۳)

(در پیشگاه خداوند، منزلتی است که جز با خواستن (دعا)

دست یافتنی نیست) (۴)

این آیات را خوانده اید؟

«قل ما یعوّبکم ربّی لولا دعائکم...» (۵)

(بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند...)

از مجموعه آیات نیایشی قرآن چنین بر می‌آید که:

رشد و کمال ما در گرو انس با خدا است و تلاش‌هایی مقبول حق می‌افتد که صبغه و رنگ تضرع و خلوص داشته باشد.

راسخان در علم بعد از «ربنا» عاشقانه از معشوق می‌خواهند که:

«لاترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا» (قلب‌هایمان را بعد از آنکه هدایتمان

کردی، از مسیرت و صراطت زیغ و انحراف مده).

شاید پرسشی ذهن شما عزیزان را مشغول کند که خدای هدایت‌گر به چه دلیل و چگونه، بعد از فیض هدایت، قلبی را از مسیر بر می‌گرداند؟ پاسخ آن در سوره مبارکه صف آمده است؛ بنگرید:

«... فلمّا زاغوا زاغ الله قلوبهم...» (۶)

(پس چون منحرف شدند، خداوند قلب‌هایشان را منحرف ساخت).

پس «زاغ» (و منحرف ساختن) از سوی خدا، ابتدایی نیست؛ انحراف بندگان و چموشی‌های آنها و بی‌اعتنایی به زمینه‌های هدایت، مَهر به خود و انهداده شدن را بر طومار انتخاب آنها می‌زند.



۳- حبیب‌الله چایچیان.

۴- اصول کافی / کتاب الدعاء / باب

فضل الدعاء / حدیث سوم.

۵- سوره فرقان / ۷۷.

۶- سوره صف / ۵.

مانند تعبیر «خدا گمراه می کند» است که در آیات دیگر آمده است. برای گمراهی انسان بعد از آن که کفران فراوان از او سرزد، گرفتن نور هدایت کافی است و کار دیگری، افزون، بر آن ضرورت ندارد:

«و من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور» (۷)

(و خداوند برای هر کس که نور قرار ندهد، پس او، نوری ندارد) خدایا! کاری نکنیم که مستحق به خود رها شدن شویم و تو قلب ما را مهر از اغه بزنی! بلائی بالاتر از این نیست که حتی به اندازه زمان به هم خوردن انتهای پلک چشممان، به خود رها شویم. فیض هدایت او بسان الکتروسیته است که باید به طور مداوم برسد، نه چون آبی که داخل مسیرها می ماند و سر چشمه ها بسته است. باید ترس داشت که هدایت اهدایی خداوند، مورد بی مهری قرار می گیرد و به تدریج از انسان سلب شود.

باید «اهدنا الصراط المستقیم» نماز را در شبانه روز، صادقانه و عاشقانه گفت و بر آن پای فشرد که تمام اولیای ممتاز خداوند هم چنین کرده اند و می کنند و تا دامنه قیامت چنین خواهد کرد. در دعاهای تعقیب نمازها به یاد ما داده اند که بخواید و بگویید:

«اللهم اهدني من عندك...»

«خدایا از جانب خودت مرا هدایت کن»

هدایت در مورد انسان چند گونه است:

(۱) گاهی نشان دادن راه از چاه است، مثل: «أنا هديناه السبيل...» (۸)
(۲) و گاهی بعد از انتخاب راه صواب که خدا می خواهد از آن جدا نشوم. مانند اهدنا الصراط المستقیم.

«لا تزعج قلوبنا بعد اذ هديتنا» به دومی بر می گردد که فردی بعد از برخوردار شدن از نعمت هدایت و آمدن در مسیر درست خدا پرستی، از خدا می خواهد که اتفاقی نیافتد که مشمول از اغه و بازگشت به انحراف شود.

«وهب لنا من لدنك رحمة أنت الوهاب» رحمانیت خداوند، شاکر و



۷- سوره نور/ ۴۰.

۸- سوره دهر/ ۳.

کافر و صالح و طالح را زیر پوششش دارد، اما بعد از آن، واکنش بندگان است که رحمت‌های خاص و لطف‌های جدید و تازه را جلب می‌کند.

تقوا پیشگی، ده‌ها اثر مبارک دارد که شامل برخورداری از نعمت‌ها و رحمت‌های مادی و معنوی است:

۱- ان تقوا الله يجعل لكم فرقا... (۹)

۲- ومن يق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحسب... (۱۰)

۳- ولو ان اهل القرى امنوا والتقوا لفتحنا عليهم بركات

من السماء والارض... (۱۱)

۱. اگر تقوی الهی پیشه‌سازید، به شما فرقان عنایت می‌کند. (بر خورداری از نعمت تفکیک حق از باطل و ...)

۲. هر کس تقوی الهی پیشه‌کند، خداوند راه خروج (از بن‌بست‌ها)

به او می‌دهد و از آنجا که گمان نمی‌برد، روزیش می‌دهند...

۳. و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه‌می‌ساختند،

برکت‌هایی از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم...

اینها و ده‌ها آیه دیگر، فرمول‌های جلب رحمت است و آنگاه که در

قلب نیایش عرضه شود، حال و هوای عاشقانه هم به خود می‌گیرد.

خداوند بسیار هبه‌می‌کند و طالب ایجاد زمینه‌های رحمت از سوی

بنده است.

والسلام

